

نقش هنر و صنعت در دندانسازی

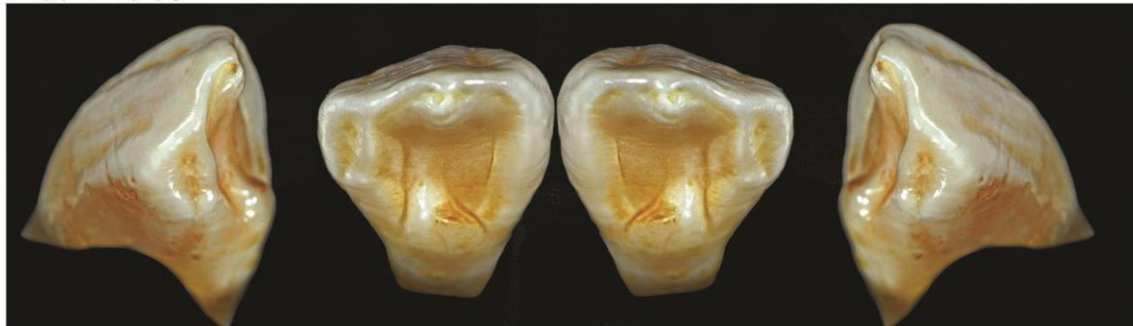
تهیه کننده :

تیم تحقیقات لابراتوار پروتز طوس دندان - صاحبکار

بهروز صاحبکار



عکس از هنرمند دندانساز ایرانیست.



در خلال کار مداومش به بینشی هنری دست می‌یابد که امکان آن، در بسیاری از حرفه‌های علمی دیگر نیست؛ باید به مطالعه نشست و تعاریف هنر را در بستر تحلیل و تحقیق نشانند، تا به نتیجه‌ای مطلوب رسید.

هنر را به گونه‌های متفاوت تعبیر و تفسیر کرده‌اند. اما متفکران در یک اصل مشترک هماهنگی و اتفاق نظر دارند که «اندیشه هنرمند در جستجوی به دست آوردن کمال زیبایی است.»

هگل (Hegel) می‌گوید: (خداوند در طبیعت و هنر به صورت زیبایی تجلی نموده است و حقیقت و زیبایی یکی است، تنها فرقی که وجود دارد آنست که حقیقت تا جایی که موجود و فی نفسه قابل تفکر است، خود تصویرست. ولی تصور هنگامی که در خارج تجلی کند برای انسان نه فقط حقیقی می‌شود، بلکه زیباتر نیز می‌گردد؛ بنابراین زیبایی تجلی تصویرست.)

به طور قطع آنچه هنرمند به عنوان ابزار و تکنیک در اختیار دارد به شیوه ی کار او موثر است همچنین گسترش ابزارهای صنعتی و تخصصی شدن استفاده از ابزارها مستلزم این بوده است که هنرمند همچون صنعتگر به آموزش استفاده از ابزارها بپردازد. بر اساس گفته ی آبراهام، خالق اثر هنری، هم نیز مانند کارگران ناگزیر از آموختن فن تکنیک است. هربرت رید در تعریف هنر متعقد است:

هنرکوششی است برای آفرینش صور لذت بخش؛ این صور حس زیبایی ما را ارضاء می کند و

حال سوال اینجاست که این دو، یعنی صنعت و هنر چگونه می توانند به هم نزدیک شوند. تا پیش از انقلاب صنعتی، نظام تکنولوژیکی استادکارانه بود.

یعنی یک استاد صنعتی ترفندهایی را بلد بود و به کسی یاد نمی داد و تنها به پسر بزرگش و یا شاگرد محبوبش آن هم در اواخر عمر خود کلیات این صنعت را منتقل می کرد و خود می مرد، بدین ترتیب بود که صنعت در طبقه اجتماعی آنها باقی می ماند و به همین علت نام فامیل آنها از حرفه ای که کار می کردند، نشأت می گرفت.

امروزه خدمات متقابل صنعت و هنر را در همه جا می توان دید و تکنولوژی به شدت به هنر سرویس می دهد و آن را قابل دسترس می کند، ما نیز باید از این شرایط و ابزارها بهره بگیریم، تا بتوانیم آثاری ماندگار بسازیم. حرفه دندانسازی نه تنها یک شغل علمی، بلکه آمیزه‌ای گوناگون از هنرهایست و دندانساز

ساخت پروتزهای دندانی حرفه ای است آمیخته از علم و هنر و تکنسین برای ساخت پروتز علاوه بردانش دندانپزشکی باید از دستان هنرمندی نیز برخوردار باشد.

البته فقط هنر نیست که همسو و هم راستای علم قرار می گیرد چراکه فناوری های متنوع نیز در دندانپزشکی همانند بسیاری از حوزه های دیگر تحولات عظیمی ایجاد کرده تا جایی که به اعتقاد کارشناسان رفته رفته تکنولوژی جایگاه علم را در آینده نزدیک خواهد گرفت. شاید یکی از تفاوت های این رشته با رشته های دیگر نیز همین باشد که در دندانسازی کار عملی و داشتن دستانی هنرمند ۸۰ درصد از توانایی های اصلی این رشته بوده و اساسا با این رشته عجین شده است.

تنها گاهی اوقات آنانی که در دل شان جنسی از مینای هنر پرورانده اند، با استفاده از هنر دست، احساس و فکر یک اثر هنری خلق می کنند و جاودانه می توان آن را نگریست.

در صنعت نیز ابتدا اندیشه ای در ذهن صنعتگر شکل می گیرد، این جرقه ذهنی جنبه معرفتی دارد که همه اختلاف صنعت و هنر در خلق آن نغمه درونی است، سازه های صنعت و هنر از یک اصل مشترک عقلانی تبعیت می کنند صنعت و هنر، هر دو دارای فرایند ظهور یکسان هستند، اما جوهره خلق اثر اولیه آنها دارای زمینه های متفاوتی می باشند. در صنعت، علم است ولی در حوزه هنر هنرمند افق آینده را میکاود و به قول عطار، هنرمند همه هستی را از ازل تا ابد می بیند.



فرد با ایجاد پیوستگی بین آنان بیان می کند، خلاقیت در هنر یعنی توانایی آفرینش تازه ها و مطرح ساختن ایده های ناب. فرایندهای مرتبط با آثار هنری بیش از محصول نهایی اهمیت دارد.

خلاقیت و علم زیباشناسی (Esthetique) لازمه کار هنری است و حرفه دندانسازی بدون خلاقیت و ارتباط با زیباشناسی معنی و مفهومی ندارد. جوهانزایتن رنگ شناس بر جسته، وقتی رنگ را می خواهد توصیف کند، می گوید: (دنیایی که ما آن را نظاره می کنیم از دو عنصر مهم تجسمی تشکیل شده است که عبارتند از: فرم یا شکل و رنگ که هر کدام لازم و ملزوم یکدیگرند) و ذهن دندانساز پیوسته به تغییرات این دو لازم و ملزوم، عمیقاً توجه دارد و این خود بینش هنری است. او در حفرة دهان با شناخت تغییر رنگها همچون یک نقاش باید ویژگیهای فیزیولوژیک و پاتولوژیک مخاط دهان و دندانها را بشناسد تا هنر هماهنگ کردن عناصر دهانی را از حالت پاتولوژیک به برگشت وضعیت اولیه فیزیولوژیک، با ظرافت دست و ابزاری که تکنولوژی جدید در اختیارش قرار داده، به کار اندازد. هماهنگی که سزان (Cezanne) نقاش نوآور فرانسوی بیان می کند:

(هنر نوعی هماهنگی به موازات هماهنگی طبیعت است.)

هنر، بهره گیری از قوه تخیل فعال را در انسان تقویت نموده و این خود می تواند زمینه ساز افکار نو شود. هنر و صنعت از دیر باز با یکدیگر رابطه ی متقابل و تنگاتنگ داشته اند هنر صنعت را دلپذیر و مطابق ذائقه انسانها می سازد و صنعت مواد خام و ابزارهای کار هنری را فراهم می آورد.

دندانساز چون با ظرافت دستهایش آنچه می سازد منحصر به فرد است و در قالب نمی ریزد که فراوان بسازد و به بازار بفرستد یک تکنولوژیست صنعت گر نیست، یک هنرمند است.

حال سخن را با یادآوری این مهم به پایان می رسانیم که دانشجویان فارغ التحصیلان این رشته هرگز نباید به کلمه تکنسین و یا کاردان و کارشناس اکتفا نموده و باید جایگاه خویش را در حد یک هنرمند که با کسب علم توانسته هنر خویش را پرورش و از تمامی این فعالیتها به ایجاد آرامش و شادابی در بین بیماران و با کسب در آمدی متناسب با علم و هنر خویش دست بیابد.

به امید آن روزی که رشته دندانسازی در کشور ایران به جایگاه اصلی خویش در بین احاد مردم برسد و کسی این عزیزان را ...



شناخت آناتومی و مورفولوژی دندان برای ارائه اثر هنری ضروری است و روند کار آموزشی هنرهای تجسمی و تصویری است. ذهنیت دندانساز این مهم را همیشه به خاطر داشته و دارد و بدون آگاهی آناتومیک هرگز موفقیت نخواهد داشت.

در معنای اصطلاحی هنر، اختلافات زیادی به چشم می خورد که نشان می دهد هنر به خاطر عمق و گستردگی و ظرافت خود، در عین پیدایی ناپیداست؛ «هنر وسیله ای است برای ثبت و ضبط احساس انسانی در قالب مشخص و نیز انتقال آن در خارج از عوالم ذهنی و همچنین تفهیم آن احساس هنر به دیگران است»

از مجموع تعاریفی که برای هنر شده است، می توان دریافت که هنر از عناصری ترکیب می یابد که با وجود آنها انسان می تواند به دستاوردهای لطیفی از احساس آدمی دست یابد که در شرایط دیگر، چنین امکانی میسر نمی باشد. این عناصر عبارتند از:

تخیل، ذوق، خلاقیت و زیبایی در میان این عناصر، سه عنصر نخست در تکوین و ظهور اثر هنری نقش دارند و عنصر آخری در کیفیت ارزشگذاری آن موثر است .

بیان تعریفی جامع از خلاقیت کار سختی است و صاحب نظران تعاریف مختلفی ارائه کرده اند شاید ساده ترین تعریف از خلاقیت این باشد که فردی فکری نو و متفاوت ارائه دهد. استیفن رابینز خلاقیت را به معنای توانایی ترکیب اندیشه ها و نظرات در یک روش منحصر به

حس زیبایی وقتی ارضا می شود که ما نوعی وحدت یا هماهنگی حاصل از روابط صوری در مدرکات حسی خود دریافت کرده باشیم. دندانساز برای تهیه ی رستوریشن های دندانی باید در کنار علم و دانش شناخت دندان به ویژگیهای هنری آن نیز توجه کند. جهان بینی دندانساز عملاً مبتنی بر خلاقیت ذهنی اوست و آنچه او با دستهای خود ماهرانه از علم به عمل در می آورد در پی آفرینش کمال زیبایی است.

ذهن خلاق دندانساز با تغییرات تکنولوژی عصر خود در تغییر و تحول است و نگرش او را پیوسته در مورد اشیاء و موادی که تکنولوژی پیشرفته در اختیارش می گذارد، متفاوت می سازد

یک اثر هنری باید سه اصل مهم را رعایت کند یعنی ریتم یا وزن هارمونی یا هماهنگی و بالاخره کمپوزیسیون یا ترکیب. که این سه در تمام هنرها جاری و متداول است و دندانساز به خاطر نفس کارش ناچار به رعایت این سه اصل مهم می باشد و در نتیجه کار او فی نفسه کاری است هنری ...

همه آنچه را که امروز ما به عنوان هنر می شناسیم به صورت علمی قابل تفسیر و آموزشند و بینش و تفکر هنری بر یک بستر علمی - تحقیقی از قوه به فعل درمی آیند.

یک دندانساز فرم آناتومیک را بر مبنای زیبایی استوار می سازد. ما امروز شاهد چهره سازی زیبایی هستیم که به دست هنرمندان تکنسین پروتز دندان پرداخته می شود.